

۲۲۶ - ای مشتعل بنار محبت الله در یوم ظهور تجلی مجلی طور مشاهده نمودی و از شجره طوبی ندای انی انا الله استماع کردی از ماء طهور نوشیدی و از کأس مزاجها کافور چشیدی بمشرق انوار توجه نمودی و بملکوت اسرار تبتل کردی حال وقت آنست که ترتیل آیات توحید کنی و تجدید خلعت تجرید بحب جمال قدم سائر امم را بوجد و طرب آری و بثناء اسم اعظم قبائل و ملل را جذب و وله دهی صمت و سکوت بهت و خمود آرد و ندا فرح بیمنتهی بخشد آتش بی شعله زغال است و مرغ بی نغمه ابکم و لال شجر را ثمر باید و سراج را شعاع و شرر پس ای مرغ سحر نغمه و نوائی زن و آغاز ترانه ای نما تا نفوس مخموده باهتر از آید